

«نگاهی به تاریخ»

گزیده‌ای از سخنان اندامان گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست در مجلس
مؤسسان سوم، شهریور ماه ۱۳۴۶ از زرین برگ خاک و خون

پیرامون شاهنشاهی ایران

گزینش

دکتر سهراب اعظم زنگنه

بهمن ماه ۱۳۸۸

به نام خداوند جان و خرد پاینده ایران

پیشگفتار

«شاهنشاهی ایران برتر از شکل محض حکومت»

نگاه نهضت پان ایرانیسم به «آیین فرمانروایی ملت ایران» نگاهی علمی و برآمده از دل تاریخ چند هزارساله ملت بزرگ ایران است، پان ایرانیسم آیین فرمانروایی ملت ایران را والاترین و ارزشمندترین دستاورد فرهنگ انسانی ملت ایران و تبلور همه ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی اقوام گوناگون ایرانی در درازای تاریخ برای زیست سرفراز، یگانه و یکپارچه، مقتدر و شکوهمند می‌داند که با خود همه اصول و مبانی بزرگی و تداوم و نیرومندی و ایفای نقش انسانی در پیشگاه جامعه بشری را به همراه دارد و به اتکاء تجربه تاریخ چند هزارساله ملت ما به نام «نظم شکوهمند شاهنشاهی ایران» شناخته شده است و دربرگیرنده چهار اصل جدایی‌ناپذیر از یکدیگر است که عبارتند از:

۱- اصل خون یعنی فرمانروایان می‌بایستی در همه جا و همه وقت مدافع همه جانبه اقوام ایرانی باشند.

۲- اصل خاک یعنی فرمانروایان باید از تمامیت ارضی تاریخی ملت ایران در هر شرایطی محافظت و دفاع نمایند.

۳- اصل پیوستگی خون و خاک، در درازای تاریخ پیوند خون اقوام گوناگون ایرانی با خاک ایران بزرگ و تاریخی حاصل گرانقدری به پیشگاه جامعه بشری تقدیم نموده است که به آن فرهنگ انسانی ملت بزرگ ایران می‌گویند، فرهنگ کلیه دستاوردهای نیکوی مادی و معنوی، سنت‌ها، آرمان‌ها و ویژگی‌های اقوام ایرانی در پیوند با شرایط جغرافیایی و ژئوپلتیک

و آب و هوایی و اقلیمی ایران زمین می‌باشد که حاصل کوشش مشترک تاریخی اقوام گوناگون ایرانی و بستری است که نسل‌های پیاپی ایرانیان اولاً آن را پرورانده‌اند و ثانیاً خود در آن پرورده شده‌اند و با بالندگی بیشتر آن را به نسل‌های بعد سپرده‌اند.

۴- اصل ایفای نقش انسانی ملت ایران در پیشگاه جامعه بشری که به طور خلاصه در سه اصل ضد استعمار، ضد استثمار و ضد استبداد تجلی کرده و وظیفه همیشگی و انسانی ملت ایران است که می‌بایست همواره از سوی فرمانروایان بر ملت ایران در سطح جهانی اعمال گردند. نهضت پان ایرانیسم معتقد است که هرگاه فرمانروایان بر ملت ایران خود را مسئول و موظف بر نگهداری اصول چهارگانه فوق بدانند عملکرد آنها موجب خشنودی و سربلندی، رفاه و آسایش اقوام گوناگون ایرانی گردیده و حمایت مردمی از فرمانروایان توأم با رضایت پروردگار بزرگ ایران همان «فر» ایزدی است که یاور و پشتیبان آنها خواهد بود و در غیر این صورت «فر» از آنها می‌گریزد و دیگر شاهنشاه نخواهند بود و صرفاً حاکم هستند یعنی حق فرمانروایی بر ملت ایران ندارند و یقیناً سقوط خواهند کرد.

با تعمق در ویژگی‌های چهارگانه نظام شاهنشاهی ایران، یا همان «آیین فرمانروایی ملت ایران» به درستی می‌توان دریافت که نظام شاهنشاهی ایران مفهومی بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر و برتر از شکل محض حکومت است و «آیین فرمانروایی ملت ایران» هر شکلی که داشته باشد باید محتوای و رسالت آن متکی بر چهار اصل برآمده از خون و خاک و فرهنگ ملت بزرگ ایران باشد.

«یکتا کردگار توانا، می‌دانم که فرمان تو خواست جاوید ملت من است»

پاینده ایران

دکتر سهراب اعظم زنگنه

عضو شورای عالی رهبری حزب پان ایرانیست

به نام خداوند جان و خرد
پاینده ایران

«شاهنشاهی ایران برتر از شکل محض حکومت»

زندگی جوامع و ملت‌ها قبل از آنکه متکی بر مصوبات موضوعه باشد متکی بر اصول و مبادی می‌باشد که طی قرون و اعصار پایه‌گذاری شده به صورت آیین زندگی آنها جلوه‌گر می‌باشد هر ملت که نظم اجتماعی‌اش بر چنین اصول و مبادی طبیعی و تاریخی اتکاء داشته باشد در میدان تنازع بقاء استوارتر و در کشاکش حوادث روزگار مقاوم‌تر و نیرومندتر خواهد بود. نظام اجتماعی که بتواند نیازمندی‌های جامعه را برآورده سازد و یک ملت را با همه ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی و نژادی آن مصون و محفوظ بدارد، آن‌چنان نظم اجتماعی تواند بود که پایه‌های زندگی و اصول سازمانی و اجتماعی خود را بر این ویژگی‌ها بنیان گذارد، در طول تاریخ و باگذشت قرون و اعصار شکل شایسته و آیین کار خود را باز یافته باشد. در این روزگار چنین نظامات اجتماعی که این سان با نوامیس طبیعت و ویژگی‌های نژادی و ملی و بالاخره نیازمندی‌های تاریخی و منطقه‌ای ملت‌ها تطبیق داشته باشد نادر است و در میان آن نوادر نیز تنها نظام تاریخی و اجتماعی ایران که با نام‌گویا و شکوهمند «شاهنشاهی ایران» شناخته می‌شود، تنها نظم تاریخی و اجتماعی است که دقیقاً بر ویژگی‌های نژادی ملت ما، موقعیت خاص تاریخی و جغرافیایی سرزمین ما و بالاخره اصول آیین زندگی و فرهنگ و فلسفه نژاد ایرانی متکی است. «شاهنشاهی ایران» نه تنها یک شکل حکومت و یا نوعی از سلطنت است، بلکه پدیده‌ای تاریخی و اجتماعی است که برتر از شکل محض حکومت می‌باشد، شاهنشاهی ایران با خود همه رازها، همه قوانین و اصول زندگی نژاد ایرانی را دارد.

آنچه که در طی چندین هزار سال تاریخ شناخته شده و ناشناخته نژاد آری‌ن در سرزمین آری‌ن‌ها به گرد هم آمده است، همه آن تلاش‌های پی‌گیر و انسانی که طی هزاران سال نیاکان ما در این سرزمین مقدس به منصه ظهور رسانیدند، همه آن کمیات و کیفیاتی که وابسته به نژاد ایرانی و یا خاک ایرانیان می‌باشد یک‌جا گرد آمده و در نهاد میراث‌گرانقدر نژاد ایرانی که «نظم شاهنشاهی ایران» می‌باشد به دست ما سپرده شده است.

بررسی و شناخت شاهنشاهی ایران از این دیدگاه راستین تاریخ نژاد ایرانی است که سبب خواهد شد ما آیین زندگی ملت خود را آنگونه که بایسته است دریابیم و به‌ویژه به هنگام بررسی و کنکاش درباره تنظیم قوانین موضوعه، بتوانیم سمت لازم تنظیم این قوانین و اصل لزوم تطبیق آنها را با اصول و مبادی نظم تاریخی و اجتماعی ایران بشناسیم و آنگونه که بایسته است رعایت کنیم.

این تنها نظم تاریخی و اجتماعی نژاد ایرانی یعنی شاهنشاهی ایران به حکایت تاریخ بشری تنها نظم اجتماعی و شکل حکومتی است که این سان موجودیت و محتوی کمی و کیفی آن با تاریخ و موجودیت ملتی که وابسته به آن است پیوند دارد و عجین شده است.

هرگز در هیچ مرحله‌ای از تاریخ نمی‌توان جدایی میان سیر تاریخ زندگی نژاد ایرانی و تاریخ «نظم شاهنشاهی ایران» یافت.

همانگونه که ریشه زندگی و نژاد ایرانی در سینه قرون و اعصار ناشناخته تاریخ پنهان می‌گردد ریشه زندگی «نظم شاهنشاهی ایران» نیز در اعماق همان قرون و اعصار ناشناخته تاریخ پنهان است.

از همان هنگام که چند هزار سال تاریخ نبشته و مستند، زندگی و فرهنگ نژاد ایرانی را بر ما بازگو می‌کند، تاریخ سیر و تکامل «نظم شاهنشاهی ایران» را بر ما آشکار می‌سازد.

کوتاه سخن آنکه، چه در تاریخ اساطیری، چه بر سینه سنگ نبشته‌ها و

دیگر مراحل تاریخ مستند و نبشته، تاریخ تکوین، تکامل و فراز و نشیب زندگی نژاد ایرانی و فلسفه و فرهنگ و آیین ملت ایران با تاریخ تکوین و تکامل و فراز و نشیب «نظم شاهنشاهی ایران» هم‌آهنگ و با یک تار و پود است. بدین سان «شاهنشاهی ایران» نه تنها یک شکل شایسته حکومت برای نژاد ایرانی است بلکه نشان همبستگی‌ها و یگانگی همه تیره‌های ایرانی‌نژاد و حاوی همه اصول و آیین فرهنگ زندگی و فلسفه نژاد ایرانی است. «شاهنشاهی ایران» آن تنها پدیده تاریخی و اجتماعی ملت ما است که همه رازها و اصول و آیین زندگی سرافراز و رخسای نژاد ایرانی را با خود دارد. بدین سان «شاهنشاهی ایران» همواره برای دفاع از موجودیت ملت ایران و استمرار زندگی نژاد ایرانی و ایفای نقش مهم جهانی این ملت رسالتی بزرگ به عهده داشته و دارد.

در «آیین شاهنشاهی ایران» چه قبل از روزگار کورش کبیر و چه از آن هنگام که کورش بزرگ براساس آیین‌های دیرین ایرانی بنیان شاهنشاهی بزرگی را استوار نمود، فرماندهی نظم شکوهمند ایران که نمودار زنجیره حیات نژاد ایرانی است با شاهنشاه می‌باشد و نقش بزرگ ایفای رسالت تاریخی و پاس «نظم شاهنشاهی» و دفاع از همه موجودیت و هستی نژاد ایرانی به عهده اوست.

درفش آسمانی رنگ بمانند آرنک شاهنشاهی ایران برگزیده شد. درفش‌ی که با خود همه رازهای رسالت تاریخی و جهانی نژاد ایرانی و فرهنگ همه انسانی ملت ایران را دارد و این درفش همواره به دست شاهنشاه سپرده می‌شد. راز آن چنان است که تا این درفش بر سینه آسمان در اهتزاز است «نظم شاهنشاهی ایران» و با به گفتاری دیگر موجودیت و زندگی و زیست سرافراز ایرانی ادامه دارد.

بدین سبب در آیین زندگی نژاد ایرانی و در بستر «نظم شاهنشاهی ایران» اصل استمرار رسالت تاریخی و پیوستگی دوره‌های «شاهنشاهی» با یکدیگر

از مهم‌ترین اصول زندگی ایرانی بوده و هست.

تاریخ گواه است که هر زمان تبدادی وزیدن گرفت و دست متجاوز و جنایتکاری خواست تا چرخ این نظم شکوهمند را از گردش بازدارد همه تلاش و کوشش اندیشمندان و کوشندگان ملت ما مصروف بدین مهم شد که بار دیگر درفش آسمانی رنگ را به اهتزاز آورند و نظم دیرین «شاهنشاهی ایران» را بر جایگاه خود استوار سازند.

چنین است راز آنکه در طی چند هزار سال تاریخ در ایران زمین به هنگام ایلغارها و یورش‌های بیگانگان اهریمن، نهضت‌های ملی و رستاخیزهای ایرانی کوشش‌هایی بوده است برای دگر بار برافراشتن درفش شاهنشاهی، زیرا بر پیشانی این درفش آسمانی رنگ راز هستی و آزادی و یگانگی نژاد ایرانی نقش بسته است.

و نیز این است راز آنکه در طی تاریخ برخی از بیگانگان مهاجم در گوشه و کنار این سرزمین که گه‌گاه به تقلید بساط سلطنت و امیری برپا کردند اما هرگز تاریخ دوران حکومت چنان کسانی را جزئی از زنجیره شکوهمند «شاهنشاهی ایران» نمی‌داند، زیرا آنها تنها بر تحت امیری تکیه داشتند نه آنکه می‌توانستند بر اورنگ «شاهنشاهی ایران» جلوس نمایند و درفش آبی‌رنگ «شاهنشاهی ایران» را در دست گیرند و مبشر رسالت تاریخی و جهانی نژاد ایرانی باشند.

نیروهای بیگانه سازمان‌های دیرین حاکمه، نظامات بردگی آور، همه بر ضد ملت ایران و آیین زندگی ایرانیان یورش‌ها آوردند. دشمنان و معاندین ملت ایران می‌پنداشتند در وانفسای روزگار و در اثر بیماری‌ها و سموم یورش‌ها و نابکاری‌های آنان روزگار زندگی سرافراز نژاد ایرانی به پایان رسید. آنان از رازهای زندگی جاویدان ملت ایران، از نقش سازنده و رسالت همیشگی «شاهنشاه ایران» غافل بودند.

استمرار رسالت «شاهنشاهی ایران» و استقرار نظاماتی که حتی بدون

وجود یک لحظه درنگ این استمرار را تضمین نمایند، نه تنها قبول یکی از اصول دیرین «نظم شاهنشاهی ایران» در مفهوم عمیق تاریخی و اجتماعی اش می باشد بلکه تضمینی اطمینان بخش برای ادامه رستاخیز شاهنشاهی ایران و در نتیجه ادامه تحولات انقلاب عظیم اجتماعی ایران است.

پیروزی هرچه بیشتر برای کوشندگان راه سربلندی و نیرومندی «شاهنشاهی ایران»

از سرور محسن پرشکپور بنیانگذار فنادر آرمان

و رهبر فرزانه نهضت ورجاوند پان ایرانیسم

و لیدر فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست

هیچ کشوری در کشاکش دوران از پیمودن فراز و نشیب بی نصیب نیست

شاهنشاهی ایران جلوه حاکمیت ملت ما است

جناب آقای رئیس، خانم ها و آقایان نمایندگان، حضار ارجمند جای بسی خوشبختی است که در این مجلس ارجمند درباره موضوعی که مطرح است اتفاق نظر نمایندگان که نشانه ای از هم رایی و هم دلی ملت ایران است، چنان آشکار است که به سخن گفتن بیشتری در باب موافقت نیازی نیست ولی اشاره ای به پاره ای از مطالب از لحاظ خاصی ضرورت دارد و آن لحاظ خاص تشریح روحی است که بر این مجلس حاکم است زیرا هیئت های قانون گذاری به ویژه آنانکه اصول قانون اساسی مدون کشورها را مورد بررسی، تجدیدنظر و اصلاح قرار می دهند گذشته از آنکه به موجب مصوبات خود اصول و مفادی مسجل می سازند با نحوه تشکیل خود فلسفه ای را تجسم می دهند که گاه ارزش آن کم از مصوبات آن نیست و به هر حال پی بردن به حکمت تشکیل چنین مجامعی مؤثرترین عامل در شناختن نکات و دقایق مصوبات قانونی است که به وسیله آن مجامع یا مجالس به تصویب رسیده است و مجموع همین ویژگی ها است که در فراز بالا به روح حاکم بر مجلس اصطلاح گردیده است، از سوی دیگر باید دانست که هیچ کشوری در کشاکش دوران از پیمودن فراز و نشیب بی نصیب نیست و در گردش روزگار به تبع رویدادهای فراوان اندیشه ها و گاه اوهامی به صورت اندیشه بر جامعه سایه می افکند، چونانکه آنچه رأی عمومش می خوانند و یا پاره ای مصرند که چنان وانمود کنند یا از عهده درک و تفسیر نوشته ها عاجز می ماند و یا می خواهد که عاجز و قاصر بماند و از آنجا که پس از وضع قانون به اجبار یادگاری جز صورت مکتوب به جای نمی ماند که گرچه حامل روحی است که آن را رقم زده است ولی باب تفسیر و

دگرگونه‌جویی را بازمی‌گذارد.

لذا یادآوری کلمه‌ای چند در تشریح روح حاکم بر مجلس ضروری است تا مفسران و جویندگان آینده که معلوم نیست در تلاطم و امواج روزگار روی به فراز دارند یا نشیب راه خود را نیکوتر بیابند و بدانند آنانکه امروز در این جایگاه به قصد تطبیق اصولی از قانون اساسی مدون ایران با ناموس جاوید «نظم شاهنشاهی ایران زمین» گرد آمده‌اند تار و پود این نوشته را از چه تنیده و سرشته‌اند. شأن و مقام امعان نظر در این اصل یعنی اصول ۳۸، ۴۱، ۴۲ به موجب آنکه مربوط به اصل پیوستگی در زنجیره شاهنشاهی ایران می‌باشد آنست که جایگاه «نظم شاهنشاهی ایران» آنگونه که در پهنه طبیعت و تاریخ هست ملحوظ باشد.

در اصولی که اکنون مورد بررسی می‌باشد آنچه در اصطلاح و سیاق قانون اساسی سلطنت و یا پادشاهی عنوان شده است درست و استثنائاً منطبق است با مفهوم شاهنشاهی ایران زمین. اینکه می‌گویم استثنائاً از آن جهت است که اصطلاح سلطنت یا پادشاهی همیشه معادل شاهنشاهی نیست چونانکه بسیاری از کشورها سلطنت و پادشاهی داشته‌اند و یا دارند درحالی که مسیر تاریخ و زندگانی آنان نصیبی از شاهنشاهی عایدشان نداشته است. شاهنشاهی ایران زمین آیین وحدت تیره‌های نژادی ایرانی و بستر بستگی‌های شاخه‌های فرهنگی ایران زمین است به گونه‌ای دیگر که بنگریم حاصل این بستگی‌ها پدید آمدن برترین ساخته کردگاری و کامل‌ترین جلوه تکامل مقولات اجتماعی در پهنه فلات ایران یعنی ملت ایران است. **شاهنشاهی ایران جلوه حاکمیت ملت ما با اراده‌ای معطوف به تحقق رسالت تاریخی ملت ایران است.**

شاهنشاهی ایران اشاره به نظامی است که به حکم وجود و تکامل‌پذیری ملت ما، صرف‌نظر از موجودیت این نسل و صرف‌نظر از چگونگی قانونگذاری و مراجع قانونگذاری موجود است. تنها نقش قانونگذاران درک

این واقعیت و تطبیق اصول موضوعه و عبارات مکتوم بر این واقعیت محتوم و مقدر است. حال باید دید مجلس مؤسسان چه می‌کند و آنچه می‌کند منطبق بر چه اصول عالی‌تر و مبشر چه حکمت و فلسفه و نمایشگر چگونه روحی است.

از آنجا که اصل پیوستگی در ارکان حاکمیت که جایگاه حفظ وحدت و اصالت هر ملت می‌باشد در تلو قوانین موضوعه آنگونه که باید مرعی نگشته بود. مؤسسان سوم به منظور تطبیق قوانین موضوعه بر واقعیت هستی ملت ایران و نشانه جاوید آن یعنی نظم شاهنشاهی به اصلاح این اصول دست یازیده است، این است آنچه مؤسسان سوم می‌کند اما از این گروه چه برمی‌آید چنین کیفیتی خود گویاترین سند تأیید این اصل است که نظم شاهنشاهی ایران مخلوق قوانین سده اخیر نیست بلکه قانونگذاری در میان ملت ما نهادی است که باید تکامل خود را در پی تطبیق بر واقعیات حاکم بر موجودیت ملت ایران و اصول نظم رخشای شاهنشاهی ایران جستجو کند. تشکیل این مجلس که منطبق بر چنین بنیادی می‌باشد در حد خود حاوی حکمتی است که لازم است جهان امروز و تاریخ آینده بدان توجه داشته باشد. تشکیل این مجلس در این زمان به مثابه آن است که ملت ایران نظم کهنسال حکومتی خود را بمانند یک فلسفه حکومتی در برابر دیگر فلسفه‌های حکومت که معمول و متداول زمان ماست قرار می‌دهد.

در این فلسفه منظور از اشاره به حکومت نه مقوله‌ای است به جز بخشی از امور واگذاری اهل زمان بلکه اشاره به نظم شاهنشاهی به مثابه نوعی از حکومت اشاره‌ای است به نوعی آلی یا ارگانیکی - فاخر و شکوهمند از حکومت که در آن مسئولیت در قبال رسالت تاریخی ملت مطرح است و ملت در این تعریف با تمام خصوصیات تاریخی خون و فرهنگ گذشتگان و آرمانخواهی و تقدیر آیندگان منظور گشته است.

امید آنکه - تشکیل این مجلس نقطه عطفی در تاریخ نگرش‌های اجتماعی

پیرامون حکمت فرمانفرمایی بر جامعه‌های انسانی باشد و ملت ایران این هنگام خطیر و این فرصت مغتنم را زمانی بشناسد که دگر بار اعتقاد و ایمان خود را به زنجیره «شاهنشاهی ایران زمین» به معنی ژرف و حکمت‌آمیز آن یادآور گردد و نظم شاهنشاهی ایران را به عنوان آیین حکومتی یکتای خود بر جهانیان عرضه کند و اصول نجات‌بخش این آیین کهنسال را که مبتنی بر حکومتی منطبق بر واقعیات وجود ملت‌ها و قوم‌ها است و قبول استقلال و تمامیت هر ملت و شناخت رسالت تاریخی ملت‌ها از مشخصات آن است به مثابه اصولی متضمن صلاح و رفاه جهان بر عالمیان بازگو نماید.

جای سپاس فراوان است که مؤسسان سوم با موجودیت خود این اشاره حکمت‌آمیز و خطیر تاریخی را در زمانی انجام می‌دهد که شاهنشاه بزرگ ایران زمین با گزیدن نام فاخر و شکوهمند آریامهر بخشی بس عظیم از رسالت تاریخی خویشتن را آشکار ساخته‌اند، باشد که به دوران آریامهر آیین رخشای نظم شاهنشاهی ایران در میان تیره‌گی‌های او هام، حکمت فرمانفرمایی راستین ملت‌ها را بر جهان عرضه دارد همچنانکه پرتو تابناکی از آن‌که به عنوان سیاست مستقل ملی از جانب رهبر عالیقدر میهن ما اعلام گردید به منزله عالی‌ترین جلوه از یک تلاش هستی‌بخش و یک مبارزه مثبت و ژرف ضد استعماری شناخته شد، باشد که کوشش‌های این مجلس در استقرار مبانی مداومت و پیوستگی امور شاهنشاهی تدبیری اطمینان‌بخش در دوام و استمرار آیین پاس درفش شاهنشاهی ایران زمین باشد.

پاینده ایران

سخنان آموزگار ناسیونالیسم ایران و پان ایرانیسم

شادروان شهید دکتر محمدرضا عاملی تهرانی نماینده مردم

مهاباد در مجلس مؤسسان سوم وقائم مقام رهبر حزب پان ایرانیست

شهریور ماه ۱۳۴۶

شاهنشاهی ایران، نظام ضد بندگی است

اهتراز درفش شاهنشاهی ایران بر کالبد ملت ایران جان می‌بخشد آیین شاهنشاهی ایران همه برخاسته از ناسیونالیسم نژاد ایرانی است.

پاینده ایران

جناب آقای رئیس، خانم‌ها و آقایان، اجازه می‌خواهم موضوع مجلس تاریخی مؤسسان سوم را از دیدگاه ناسیونالیسم مورد بحث قرار دهم تا ارزش آن از لحاظ این مکتب فکری نیز روشن گردد.

غایت آفرینش و تکامل خواست پروردگار جهان در مورد انسان پیدایش پدیده‌ای تاریخی و اجتماعی مشخصی به نام ملت می‌باشد که در عرف ناسیولیسیم مبنای تحولات اجتماعی و محور کلیه جریانات تاریخی است. برخی از آنها از سپیده دم تاریخ جهان موجودیت خود را مانند ملت ایران به جهانیان شناسانده و پاره‌ای دیگر با الهام از فرهنگ چنین ملت‌هایی تدریجاً تکوین و تکامل پیدا کرده و جایگاه ویژه خود را در جهان باز یافته‌اند، هر ملتی از هنگام شروع زندگی ملی خود با الهام از خون و نژاد خود و سجایای انسانی و قومی خود فرهنگی آفریده که شناختن آن عالی‌ترین وسیله شناسایی آن ملت و بهترین رهنمای زندگی آن ملت برپایه خواست‌ها و آرزوهای ملی‌اش می‌باشد.

تنها با وجود چنین شناسایی است که از تسلط سنت‌ها و فرهنگ‌های تحمیلی و بیگانه می‌توان جلوگیری نمود و در غیر این صورت به علت مغایرت فرهنگ‌ها و سنت‌های تحمیلی با عواطف و احساسات ملی موجبات انحطاط و بحران فکری و از بین رفتن نشاط زندگی ملی فراهم می‌گردد.

اصلی‌ترین شاخه فرهنگ ملت ایران استقرار نظم حکومتی شامخ و برتر

به نام نظم شاهنشاهی و ایجاد آیینی بالاتر از همه آیین‌ها به نام آیین شاهنشاهی است، این نظم و این آیین با نام ملت ایران از ابتدای تاریخ ایران و جهان عجین گشته و درفش شاهنشاهی مظهر موجودیت و وحدت تمام تیره‌های نژادی ملت ایران شناخته شده و اعتلای آن معنی قدرت، عظمت و سربلندی ملت ایران را در طی قرون و اعصار دربرداشته است.

این چنین آیین و نظم در طول تاریخ جهان روشنی‌بخش تاریکی‌های زندگی ملت‌های دیگر بوده و از هنگام استقرار شاهنشاهی هخامنشی به صورت عالی‌ترین آیین انسانی و ضد بردگی شناخته شده است تا جایی که این شناسایی در کتاب‌های آسمانی نیز تقریر گردیده و اگر تنها به خاطر بسیاوریم آن روزگاران پرشکوهی را که زن در ایران به تخت سلطنت می‌نشست ولی دیگران دختران خود را زنده به گور می‌کردند آیین ضد بردگی و انسانی شاهنشاهی ایران به خوبی شناخته خواهد شد.

اکنون درفش این آیین پرشکوه به دست «شاهنشاه ایران زمین» سپرده شده است و با انجام رستاخیز «شاه و مردم» در ششم بهمن ۱۳۴۱ «شاهنشاهی ایران» درفش ضد بردگی را به اهتزاز آورده است که اعلام «سیاست مستقل ملی» نمونه‌های پیروزی‌بخش از این نبرد ضد بردگی است.

اکنون نیز با برگزاری مجلس مؤسسان سوم و پیش‌بینی تفویض نیابت سلطنت به شهبانوی ایران زمین، تاریکی‌های چند صد ساله‌ای را که مقام زن ایرانی را در برگرفته و مباین با آیین ضد بردگی شاهنشاهی ایران بود به کنار زده شد و این افتخار بزرگ نصیب ما نمایندگان مجلس مؤسسان سوم گردید که در این تالارگرد آیین و این تحول بزرگ و تاریخی و اجتماعی را در قوانین اساسی کشور نیز تنفیذ نماییم.

به دلایل و شواهد گفته شده است که من به نام رزمندگان حزب پان ایرانیست به نام پاسداران مرزهای غرب ایران زمین، مردم ایرانپرست آذربایجان غربی اعلام می‌دارم که به فرمان ناسیونالیسم ملت ایران، حفظ

فرهنگ و نظم و آیین همه ایرانی ایران را تا پای جان به عهده داریم و در راه صیانت آن به شیوه نیاکان خود از فداکاری و جانبازی دریغ نخواهیم کرد، زیرا آیین شاهنشاهی میراث گرانبغایی است که در طی چند هزار سال تاریخ نژاد ایرانی به وجود آمده و اکنون به دست ما سپرده شده است. این میراث گرانبغای همه خصوصیات نژادی، فرهنگی و اجتماعی ملت ایران را با خود دارد. در نظم شاهنشاهی ایران است که فلسفه ایرانی، اندیشه تابناک نژاد ایرانی، بر زندگی دور از ستم تجلی می‌کند و دفاع از حقوق انسانی را همواره وجهه همت خود قرار می‌دهد.

«آیین شاهنشاهی ایران» هم برخاسته از ناسیونالیسم نژاد ایرانی است و هم خود الهام‌بخش کوشش‌های ناسیونالیستی می‌باشد. بدین سبب است که آزادگان ایرانپرست با همه وجود و توان خود برای گسترش هرچه بیشتر و ژرف‌ترین میراث گرانبغای می‌کوشند و اکنون آنچه را که به تصویب مجلس مؤسسان سوم گذارده شده است گامی استوار در راه تحکیم هرچه بیشتر «نظم شاهنشاهی» می‌دانند.

پایانده ایران

سخنان سرور دکتر اسماعیل فریور عضو گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست و

نماینده مردم ارومیه در مجلس مؤسسان سوم

شهریور ماه ۱۳۴۶

با وجود یورش‌های بسیار بیگانگان شاهنشاهی ایران به مدار ایرانی خود بازگشت.

ایدئولوژی ملت ما در دنیای پر لاف و گزاف امروز

جناب آقای رئیس - خانم‌ها و آقایان.

سرافراز و خوشحالم که به من این فرصت داده شد تا در مجلس مؤسسان سوم که بدون شک نقطه درخشانی در تاریخ معاصر ایران است و به شاهنشاهی پهلوی شکوه و عظمت بیشتر می‌بخشد سخنی اگرچه کوتاه درباره شاهنشاهی ایران و آیین پاس درفش آن و همچنین نقش و رسالت شاهنشاهان ایران با شما بر گزیدگان ملت در میان بگذارم.

هزاره‌ای چند از آن زمان می‌گذرد که تیره‌هایی از نژاد آریا به سرزمین خدایی و فلات گسترده ایران سرازیر و به هر سو پراکنده گشتند. این زنان و مردان سپید و زیبا و بلندبالا برگرفته اسبان رام و تیزپای خود کوه‌ها را درنوردیدند و در خاور و باختر این سرزمین پهناور پایه‌های نظامی پهلوانی و آیینی انسانی را بنیاد نهادند و سپس نام پر افتخار خود را بدین سرزمین بخشیدند. بدین گونه در کشاکش نبرد و هنگامه هستی پایه‌های شاهنشاهی ایران به دست چابک سواران و بلندپروازان ماد که بر سرزمین‌های سرسبز غرب ایران زمین و بر بلندی‌های زاگرس مأوا گرفته بودند استوار گشت و نام ماد و شاهنشاهان پرافتخار آن بر نخستین سنگ نبشته‌ها پدید آمد و زیب و زینت نخستین برگ‌های زرین تاریخ ایران زمین شد.

آنگاه با دست‌های توانای کورش بزرگ که تربیت ماد و خوی پارسی داشت چنان نظامی بر پهنه ایران زمین سایه افکن شد که به قرن‌ها نمودار انسانی‌ترین آیین و عالیترین قانون زندگی بشر و بهترین نمونه و سرمشق برای روابط ملت‌ها به شمار آمد.

در همان روزهای نخستین که نظم پر شکوه شاهنشاهی در ایران زمین

سنت پیروز و جاوید ملت ما شد، آیین رخشای شاهنشاهی محور آرمان‌ها و هدف‌ها و درفش پر شکوه آسمانی رنگ آن آرنج پرفروز بزرگی‌ها گشت. همه تیره‌های فرهنگ آفرین نژاد ما به گرد درفش شاهنشاهی ایران سرزمین‌های بسیاری را درنوردیدند و هر سو که رفتند مشعل بینش و دانش فرا راه جهان تاریک و بشر گمراه آن زمان گرفتند.

در تیرگی‌ها روشنایی آوردند و همه آیین‌های انسانی و هستی‌بخش را به آن سوی دریاها و سرزمین‌های دوردست به ارمغان بردند و رسالت بزرگ ملت ایران را که بسط فرهنگ و گسترش داد و همه آیین‌های پاک انسانی بود به جهانیان عرضه نمودند.

دوران شاهنشاهی دویست ساله هخامنشی دوره صلح و آرامش جهان آن روز به شمار می‌آید و در طول این زمان بیدادگری، کشتار و ستم در سرتاسر شاهنشاهی ایران که از چین تا یونان کشیده می‌شد و از نژادهای گونه‌گون به وجود آمده بودند از میان رفت و همه تیره‌ها از هر رنگ و هر نژاد در کنار هم با آرامش و صفا می‌زیستند. اگر کورش بزرگ بابل را نگشوده بود چه بسیار مردمی زیر سلطه وحشتناک فرمانفرمایان ستم‌پیشه بابل توان زندگی را از کف می‌دادند و چه انبوه مردمی که به سالیان دراز در اسارت آنان به سر می‌بردند. این روش جهانداری تنها شیوه شاهنشاهان ایران بوده و در تاریخ جهان رسم و آیینی نو و انسانی به شمار آمده است.

این آیین این شیوه جهانداری، راه و رسم زندگی شاهنشاهان اشکانی و بنیان‌گذاران شاهنشاهی پارت نیز بوده است.

در آن زمان که آوازه دلاوری و چالاکی کمانداران پارت در جهان آن روز همه جابه‌گوش می‌رسید و دل‌های دشمنان را به هراس می‌افکند، نبوده است دمی و لحظه‌ای که ملت‌های شکست‌دیده و جنگ‌باخته مورد تهاجم و یغمای این تیراندازن یکتای چیره‌دست شده باشند و همین دلاوران ایرانی پارت بودند که سیل بنیان‌کن آیین و فرهنگ روم را به سوی مشرق زمین سد

نمودند و آسیای نزدیک و میانه را از وجودشان به پیراستند و آیین معنوی مشرق زمین را از شیوه کشتار و آیین بردگی روم در امان داشتند.

این رسالت همه جا و همه وقت احساس شده است.

دوران پانصد ساله شاهنشاهی ساسانی جدا از این احساس و بیگانه با این اندیشه نبوده است. در این دوران پرشکوه و وظیفه خطیر شاهنشاهی ایران از سوی خاور و باختر ایستادگی و رفع یورش‌ها و ایلغارهای طوایف وحشی زده و همچنین به عقب راندن سربازان رومی از آسیای قدام بوده است. هنوز خاطره نبرد شاهپور و والرین که یادگار همین دوران پرکشمکش است از خاطره‌ها نرفته و خود نشانه آن بوده است که قدرت روم بیهوده می‌کوشید تا از بستر پولادین ایران به سوی خاور راهی بگشاید.

به راستی شاهنشاهان ایران گذشته از آنکه وظیفه پاسداری ایران زمین را از تهاجم‌ها و ایلغارهای بسیار بر عهده داشتند نقش و رسالت پاس مشرق زمین را در برابر آیین‌های بیگانه و غیرانسانی به خوبی ایفاء نمودند. سده‌های بسیار گذشت تا بار دیگر آیین همه ایرانی، در سیمای شاهنشاهی پرشکوه صفوی درخشیدن گرفت، نظم خیره‌کننده شاهنشاهی صفوی در این زمان با تقویت تشیع که آکنده از فلسفه و عرفان ایرانی است درهم آمیخت و سدی بزرگ در برابر تهاجم جهانیان گشت.

بدین‌گونه در سرتاسر شاهنشاهی صفوی و به زیر درفش پرشکوه آن همه تیره‌های ایرانی از هر رنگ و نژاد و مذهب که بودند در نهایت آرامش به سر می‌بردند و بار دیگر در این عصر پرافتخار ایران زمین چشمه جوشان و فیاض هنر و ادب و صنعت جهان گردید و دگر بار بر پهنه این فلات نقش و رسالت شاهنشاهی ایران نمودار شد.

باز هم سده‌ها گذشت و از پس فراز و نشیب زمان دگر باره شاهنشاهی ایران به مدار ایرانی خود بازگشت، یعنی آن هنگام که نابسامانی و پریشان حالی به ارکان کشور سایه افکنده بود و آتش هرج و مرج همه چیز را

می‌سوزاند و درهم فرو می‌ریخت و استعمار و عوامل آن که ما را دچار تجزیه، ناتوانی و پراکندگی نموده بود و باز هم سودای خطرناک دیگری در سر می‌پروراند سرداری بزرگ از سرزمین مردخیز اسپهبدان ایران بپا خاست و خود از پس کشمکش‌های اصیل و ایرانی پایه‌های شاهنشاهی پهلوی را بنیان گذاشت و ملت ایران را با زندگی سرافراز و دور از ستم و بردگی آشنایی داد و بار دیگر در زنجیره پرشکوه شاهنشاهی ایران نقش و رسالت شاهنشاهان را آشکار نمود.

این ویژگی‌های تابناک شاهنشاهی ایران باعث می‌شود تا دریابیم که نمی‌توان شاهنشاهی ایران را با هیچ‌یک از رژیم‌های دنیای کهنه و نو مقایسه کرد. امپراتوری‌ها، رژیم‌های پادشاهی کشورهای شرق و غرب و جمهوری‌ها، هیچ‌یک آن پیوند طبیعی و اصیل را که شاهنشاهی ایران با تاریخ و ملت خود دارد با تاریخ ملت خویش ندارند.

شاهنشاهی ایران با خود همه خصائص ملت ایران را در درازای تاریخ پرفراز و نشیب آن به همراه دارد، شاهنشاهی ایران حامل همه ساخته‌ها و همه آفریده‌های ملت ما در طول تاریخ ایران است، یعنی آنکه شاهنشاهی ایران نمودار فرهنگ و کولتور ایران زمین است و برخاسته از دامن سنت‌ها و شیوه‌های گوناگون مردمی است که از روزگاران نخست در حال ساختن و آباد کردن و آفریدن بوده‌اند. کوتاه سخن آنکه شاهنشاهی ایران در دنیای پر از لاف و گراف امروزه به منزله ایدئولوژی ملت ما است که می‌تواند در برابر مکتب‌های فلسفی و سیاسی قرن ما قدیافرازد و در پیکار اندیشه‌ها سربلند و پیروز از معرکه‌ها به در آید.

شک نیست رستاخیز بزرگ اجتماعی ایران که درفش آن را شاهنشاه ایران زمین برافراشته‌اند به شاهنشاهی ایران که تا این زمان تنها یک آیین انسانی و بشری بوده جان و روان تازه‌ای بخشیده است یعنی آنکه تلفیق مکتب انسانی و طریقت معنوی و دست‌نیافتنی شاهنشاهی ایران با این

رستاخیز بزرگ مکتبی سازگشته است که با خود آیین زندگی ملت ما یعنی ناسیونالیسم ایران را به همراه دارد. ناسیونالیسم ایران قانون بقاء ملت ماست و برخاسته از دامان تاریخ و دل شاهنشاهی ایران است. بدین سان شاهنشاهی ایران با خود ارزش‌ها و مفاهیم ویژه‌ای را حمل می‌کند که ملت ما باید در شناخت آن ارزش‌ها و مفاهیم از جان و دل بکوشد.

هم‌چنین به‌جاست که دو خصوصیت بارز دیگر شاهنشاهی ایران را ندیده نگیریم.

نخست آنکه رای زدن و کنکاش کردن یکی از مهمترین وظایف شاهنشاهان ایران بوده است و یکی از کاخ‌های بزرگ تخت جمشید در آن زمان کاخ شورا بوده است که این کاخ از نظر زیبایی و عظمت هم‌سنگ و هم‌پایه کاخ بزرگ آپادانا به‌شمار می‌آید.

شاهنشاهان هخامنشی چه در هنگام صلح و چه در زمان جنگ با بزرگان و نام‌آوران کشور مسائل مهم مملکتی را مورد شور و کنکاش قرار می‌داده‌اند و سپس برای اداره کشور تصمیمات لازم و مقتضی را اتخاذ می‌نموده‌اند. ویژگی دوم مقام زن در ایران باستان است به‌طوری که متن‌های اوستا نیز حاکی از آن است. ایرانیان به مادر فرزندان بسیار و به مادر پسران بسیار شجاع با نظر احترام می‌نگریستند، در عصر درخشان هخامنشی پسران به محض ورود مادر خود با حال احترام می‌ایستاده‌اند و تا مادر با نوازش مادری به آنها اجازه نشستن نمی‌داد نمی‌نشستند و به قول پلوتارک شاهنشاهان بزرگ پارس احترام ملکه مادر را کاملاً مراعات کرده و بر سر سفره زيردست او می‌نشستند، احترام ملکه ماندانا بانوی بانوان و شهبانو آتوسا در زمان‌های کورش و داریوش بزرگ که هر دو مورد مشاوره و کنکاش دو شاهنشاه بزرگ ایران قرار می‌گرفتند خود نموداری از آن است که مقام زن ایرانی به‌ویژه مقام مادر در شاهنشاهی ایران با نوعی تقدس همراه بوده است. و بالاخره در آن زمانی که در بادیه‌ها دختر زنده‌بگور می‌رفت و ناله و فغان آن مایه مسرت

خاطر مردان قبیله می‌گشت دختر ایرانی بر اریکه شاهنشاهی تکیه می‌زد، تاج خسروانی و دیهیم شاهنشاهی زیب تارکش می‌شد که پوراندخت شاه‌دخت پاکیزه و سرافراز خسروپرویز نموداری است از آن همه ارزش و احترامی که زن ایرانی در تاریخ شاهنشاهی ایران داشته و دارد.

پس با این مقدمه چنین دریافتیم که شاهنشاهی ایران از حد حکومت و سلطنت گذشته و آیینی را به‌وجود آورده است که در آن همواره از نظر داخلی نقش حمایت از موجودیت، خواست‌ها و آرمان‌های ملت و حافظ حقوق و منافع همه تیره‌های نژادی و فرهنگی ایران و از نظر خارجی رسالتی را که سرنوشت به عهده ملت ایران گذاشته ایفا کرده است.

هرجا که درفش آبی آسمانی شاهنشاهی ایران به اهتزاز درآمد نمودار گسترش همه آیین‌های انسانی به‌شمار رفته است و هرجا که این پرچم بر زمین کوبیده شده با خود جهانی از حقیقت و معنی به ارمغان داشته است و همه آرزوها و خواست‌های ملت ما در پناه این درفش آسمانی رنگ جامه عمل پوشیده است، برای آنکه رسالت تاریخی خود را آنچنانکه شایسته او و در خور فرهنگ غنی و پرشکوه او بوده است ایفا کند آیین «پاس درفش» را بنیان گذاشته است و هرجا که این درفش چه بر پهنه آب‌ها و ساحل‌ها و چه بر قلل سر به آسمان کشیده کوهستان‌ها و برفراز دشت‌ها افراشته بوده، ملت ما همه آرزوها و آرمان‌های بزرگ خود را بر آن منقوش دیده است و در صحنه‌های پیکار تا فردی از افراد این سرزمین زنده بوده و پیکار می‌کرده است درفش را در دست‌های توانای خود از دستبرد دشمنان مصون نگه می‌داشته است و این درفش دست به دست می‌گشته و امروز هنوز پس از هزاران سال اهتزاز آن خاطره بزرگی‌ها و شکوه ملت ایران را زنده می‌کند.

آیین «پاس درفش» عنصر غالب و محتوای اصیل شاهنشاهی ما بوده است و هم‌اکنون باید این آیین شکوه گذشته را از سر گیرد و شیوه و رجاوند زندگی ما شود تا همگان پاس شاهنشاهی ایران را در مفهوم ژرف و یکتای خود از

جان و دل نگه دارند.

ای ایران بدان که پس از هزاره‌های بسیار هنوز پرچم آسمانی رنگ شاهنشاهی در همه جا در اهتزاز است و به حکم سرنوشت باز هم پس از چند صد گردش گوی زمین نیز درفش آسمانی رنگ شاهنشاهی ما با آرنک‌های پرفروز خود برافراشته خواهد بود.

اینک ملت ایران خوشبخت است که مؤسسان سوم تصمیمی را اتخاذ می‌کند که قانون اساسی را هم‌آهنگ با اصول جاوید نظم شاهنشاهی ایران می‌سازد و در عین حال متضمن بازشناختن حق مادر و گرامی داشتن وظیفه خطیر زن ایرانی در زنجیره شاهنشاهی ایران است و حقی را که مجلس مؤسسان برای شهبانوی مادر می‌شناسد بازگشت به همان حقوقی است که زن در گذشته تاریخ این سرزمین دارا بوده است.

باشد که کوشش‌های مجلس‌های قانونگذاری ایران بر این شیوه دوام یابد تا قانون‌های موضوعه ما نشانه‌های راستینی از نظم شکوهمند شاهنشاهی ایران باشد.

سخنان دکتر فضل‌الله صدر عضو گروه پارلمانی

حزب پان ایرانیست و نماینده مردم قم در مجلس مؤسسان سوم

شهریور ماه ۱۳۴۶

انتشار و تکثیر توسط

پایگاه سیاوش (دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست)